

معتقد بودند نه مردم سالاری (کیهان فرهنگی، شماره ۱۵۶، مهر ۱۳۷۸).
عده‌ای نیز بر جمهوریت نظام تأکید فراوانی دارند، آن را اصالت
می‌بخشند و برجسته‌تر از اسلامیت می‌دانند. رویکردهای سکولاریستی
عمدتاً بر این باورند.

در هر حال، پرسش این است که «حکومت جمهوری اسلامی» چگونه
حکومتی است، مناسبات مردم با این حکومت چیست، مشروعیت
حکومت از چه منبعی تأمین می‌شود؟ پرسش‌هایی از این دست، مادامی
که پاسخ داده نشوند یا پاسخ‌های متناقض دریافت کنند، خطر بحران
مشروعیت و بحران هویت منتفی نخواهد شد. تفسیرهای دوگانه درباره
اسلامیت و جمهوریت می‌تواند به دوگانگی معرفتی و دوزیستی میان
جمهور این جمهوری بینجامد و انسجام هویتی آن را مخدوش کند و
سرانجام جمهوری خوش‌اندام را بدقواره کند.

گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی نشان‌دهنده موفقیت
نظام جمهوری اسلامی در مردمی کردن دولت به مفهوم مشارکت مردم در
تأسیس دولت و انتخاب کارگزاران آن است.

در حال حاضر،
جمهوری اسلامی
با بحران هویت
روبه‌رو نیست، اما
اختلالات هویتی
دارد و این جمهور
انسجام یافته را
دچار پریشانی
می‌کند. اتفاقاً این
اختلالات از همان
نزاع قدیمی دو
زیست جهان سنت
و تجدد برآمده
است؛ عده‌ای دل
در گرو سنت دارند
و هویت جمهور
در پندار آنان برآمده
از اسلامیت است
و گروه دیگری برای
زیست جمهوری
ارزشی والا قائل‌اند و
از اینکه تفسیرهای
دینی ممکن است
آن را مخدوش
کنند، نگرانند.

